

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی - ایران

۲۰ مارچ ۲۰۱۷

آیا هنوز باید با طناب پوسیده ماده ۴۱ قانون کار به چاه رفت؟

«شورای عالی کار» پس از چند به اصطلاح جلسه مذاکره و اجرای مضحک بالماسکه تعیین حداقل مزد، بالاخره در روز چهارشنبه ۲۵ اسفند [حوت]، حداقل مزد کارگران برای سال ۱۳۹۶ را به مبلغ ۹۳۰ هزار تومان تعیین کرد. همان طور که انتظار می رفت طبق ماده ۴۱ قانون کار، «مقامات ذی صلاح» حکومت در شورای عالی کار که متشکل از نماینده دولت، نماینده کارفرما، و گماشتگان سرمایه داری و شیدان ضد کارگر زیر عنوان نماینده کارگران، حکم بر این امر صادر کردند که اکثریت قریب به اتفاق کارگران باید با مزد ماهیانه ۹۳۰ هزار تومان، در زیر خط فقر مطلق زندگی کنند. این در حالی است که نرخ سود سرمایه در ایران یکی از بالاترین نرخ های سود در جهان است. علی ربیعی وزیر کار می گوید: «ما مراقب زندگی کارگران هستیم و باید در تعیین مزد هم منافع کارگران و هم تولید را در نظر داشته باشیم.»

«مراقبتی» که ربیعی از آن دم می زند مراقبت از منافع غارتگرانه سرمایه داران خصوصی و دولتی است و تلاش در راه حفظ شرایطی است که در آن کارگر هیچ باشد و سرمایه دار همه چیز. آیا او و دیگر تصمیم گیرندگان نمی دانند که مزد اکثریت عظیم کارگران (تازه اگر پرداخت شود) کمتر از یک چهارم خط فقر است؟ البته از کسی که به قول خودش سرمایه داران به او برگ سفید داده اند انتظاری بیش از این نیست.

ما بارها با صراحت و به استناد داده های مرکز آمار و بانک مرکزی ایران و با اتکاء به منافع طبقه کارگر نشان داده ایم که اقتصاد ایران در وضعیت و ظرفیت کنونی آن (و نه فقط بر اساس "سطح و توان نیروهای مولد" و توانی که می تواند در آینده داشته باشد) و به رغم تمام ضعف ها و مشکلاتش، توانایی تحمل مزد حداقل معادل چهار میلیون تومان در ماه و مزدهای بالاتر از حداقل (برای مهارت های بالا و یا سابقه کار، ابعاد خانواده و غیره) را دارد. پرداخت چنین مزدی به هیچ رو باعث ته کشیدن منابع برای سرمایه گذاری و هزینه های عمومی نخواهد شد.

ما همواره بر این واقعیت تأکید کرده ایم که شورای عالی کار، وزارت کار و تأمین اجتماعی و کل دستگاه حاکم بر نظام سیاسی و اقتصادی ایران، هرگز کوچک ترین قدمی به نفع طبقه کارگر و زحمتکشان زیر ستم بر نخواهند داشت. ما بارها نشان داده ایم که کارگران نمی توانند و نباید به ماده ۴۱ قانون کار (اعم از بند ۱ یا ۲ آن) و نه به «شورای عالی کار»، این کارگزار زور و زر و تزویر، اعتماد و امید داشته باشند. جای تأسف است که هنوز برخی از تشکل های فعالان کارگری، مانند اتحادیه آزاد کارگران، به بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار چسبیده اند و آن را حلال مشکلات کارگران

تلقی می کنند. همچنین به شورای عالی کار و یا برخی عناصر درون آن امید بسته اند و از آنها انتظار عمل مستقل و مثبت دارند. مثلاً جعفر عظیم زاده در مصاحبه با سایت اتحاد در تاریخ ۱۵ اسفند [حوت] ۱۳۹۵ می گوید: «البته در رابطه با نهادهای دست ساز کارگری بحث لزوماً بر سر افراد حاضر در این تشکل ها به عنوان یک فرد نیست، بلکه بحث بر سر سیاست مدون و حاکم بر کل تشکل ها و نهادهای دست ساز کارگری است ... وگرنه ممکن است در میان نماینده هایی که از سوی این نهادهای دست ساز به شورای عالی کار می روند افرادی هم باشند که اولاً حاضر به قرارگرفتن در موقعیت امضای حداقل مزد خفت بار نباشند دوم این که به عنوان یک فرد در صورت قرار گرفتن در موقعیت گذاشتن چنین امضائی، در مقابل تحمیل ستم معیشتی بر کارگران ایستادگی نکنند و حاضر به امضای مزدی ناعادلانه نشوند...» این گونه موضع گیری ها، با هر نیتی اظهار شوند، تنها موجب توهم در میان کارگران می شوند و ناخواسته جبهه سازشکاران را تقویت خواهند کرد. نمایندگان به اصطلاح کارگری شورای عالی کار عناصر مورد تأیید نظام ظالمانه سرمایه داری از گماشتگان و منصوبان دولت و وزارت کار هستند. اینان به قول خودشان سبد حداقل معیشتی کارگران را که طبق محاسباتشان ۲.۵ میلیون تومان در ماه است ارائه می دهند اما حاضر می شوند حداقل مزد خفت بار را که از نصف رقم پیشنهادی شان هم کمتر است امضاء کنند! روشن است که توقع عدالت و مساعدت از گماشتگان و یاوران سرمایه داران و کارفرمایان سراسری بیش نخواهد بود.

بدون هیچ تردید و توهمی باید دست رد به سینه این جماعت استثمارگر ز الوصف زد. باید ماهیت چپاول گران را افشاء کرد و توده های کارگر را به ضرورت ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی (اقتصادی و سیاسی) خود ترغیب نمود. طبقه کارگر باید بر این امر واقف گردد که تنها کارگران متشکل و آگاه می توانند سرمایه داران و رژیم سرمایه داری حاکم را به عقب نشینی وادار نمایند. مبارزه جاری باید بر بستر مبارزه با طبقه سرمایه دار و اعتراض به فقر، بیکاری و استثمار ادامه یابد. نمی شود ادعای رزمندگی و مبارزه جوئی داشت و به "ایجاد بستر قانونی" بر پایه ماده ۴۱ قانون کار دل خوش نمود. با دخیل بستن به نهادها و مراکز اعمال قدرت سرمایه داران نه تنها "طوفان" بلکه حتی نسیمی هم نخواهد وزید. مبارزه، مبارزه و مبارزه برای تعیین مزد متناسب با هزینه متوسط خانواده ۴ نفره شهری و مبارزه با نظام کار مزدی کلام آخر کارگران است و بس.

کارگران پروژه های پارس جنوبی

جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام

فعالان کارگری جنوب

فعالان کارگری شوش و اندیمشک

جمعی از کارگران محور تهران - کرج

۲۷ اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۵